

نتیجه، خلاقیت و ابتکار، رشد احساسات و عواطف و پرورش نگرش‌ها و ارزش‌ها در دانش‌آموزان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از مباحث آموزش عربی دوره متوسطه سال دوم ادبیات و علوم انسانی درس نهم است که به «اعداد» اختصاص دارد. از ابتدا یاددهی و یادگیری اعداد، یکی از مشکلات آموزش زبان عربی در مدارس بود و طبق نظر اکثر دبیران و دانش‌آموزان این مبحث یکی از معضلات آموزش زبان عربی در مدارس است.

طبق یک بررسی که از دانش‌آموزان به عمل آوردم و نظرات همکاران درس عربی را در این موضوع جویا شدم، دانش‌آموزان اعتراف می‌کنند که فقط برای کسب نمره در امتحان یا قبولی در کنکور به حفظ فرمول اعداد می‌پردازند و پس از آن آموخته‌های آنان در بحث اعداد به فراموشی سپرده می‌شود. گفتنی است هر ساله در کنکور سراسری از بخش اعداد سؤال طرح می‌شود و حدود هفت درصد سؤال، از بخش عربی مربوط به اعداد است. همیشه این سؤال مطرح بوده است که چرا دانش‌آموزان در یادگیری اعداد عربی با مشکل روبه‌رو هستند. با توجه به اینکه آموزش اعداد در زبان عربی کاملاً قاعده‌مند است، چرا دانش‌آموزان بعد از یادگیری در مدت کوتاهی آن‌ها را فراموش می‌کنند؟ البته روش سنتی در تدریس اعداد (معلم‌محور). که در آن معلم با توجه به قواعد ارائه شده در کتاب مبحث اعداد را برای دانش‌آموزان بیان می‌کند، کارایی لازم را ندارد و به یادگیری پایدار - که هدف اصلی و اساسی در آموزش است - نمی‌انجامد.

**کلیدواژه‌ها:** دانش‌آموز، روش مشارکتی، روش غیرفعال، اعداد عربی



## ۲ روش، ۲ اثر

مقایسه تأثیر روش آموزش مشارکتی با روش آموزش غیرفعال در آموزش اعداد درس عربی

رضانعلی دهبندی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

مازندران و

دبیر عربی شهرستان نکا

### هدف پژوهش

هدف کلی: هدف کلی این پژوهش، مشخص کردن میزان اثربخشی یکی از دو روش مشارکتی و غیرفعال (سخنرانی) بر پیشرفت درسی دانش‌آموزان است.

### مقدمه

معلومات از ذهن خود به ذهن شاگردان است. در این حالت، ذهن دانش‌آموز انباشته از مطالبی است که با نیاز و فکر او تناسبی ندارد و ارزشیابی نیز از همین محفوظات دانش‌آموز به عمل می‌آید. در

یکی از مشکلات عمده نظام آموزشی، استفاده افراطی معلمان از روش‌های تدریس غیرفعال و سنتی است. هدف اساسی آنان در آموزش و تدریس نیز انتقال

## فرضیه‌های پژوهش

### فرضیه اول

بین روش آموزش مشارکتی و روش آموزش غیرفعال (سخنرانی) در یادگیری اعداد عربی تفاوت مثبت معناداری وجود دارد.

### فرضیه دوم

بین دانش‌آموزان مستعد و ضعیف در بهره‌مندی از آموزش به شیوه مشارکتی و غیرفعال (سخنرانی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

## یافته‌های پژوهش

موضوع و مسئله عمده‌ای که محقق در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ مناسب برای آن است، بررسی و مقایسه تأثیر روش آموزش مشارکتی با روش آموزش سخنرانی و تأثیر آن‌ها روی پیشرفت تحصیلی درس عربی بخش اعداد است.

تحلیل نتایج یافته‌های این پژوهش نشان داد که عملکرد کلاس‌های آزمایشی، که از روش آموزش مشارکتی استفاده کرده بودند، به‌طور چشمگیری از دانش‌آموزان گروه کنترل، که همان مواد درسی را به روش سخنرانی آموخته بودند، در آزمون اجرا شده بهتر و موفق‌تر بود. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت برتری آموزش مشارکتی بر روش سخنرانی (معلم‌محوری) به این سبب است که در جلسات بحث و مشارکت به دلیل تأثیر و تأثر متقابلی که بین افراد گروه به وجود می‌آید، توجه به موضوع درسی زیاد و در نتیجه بازده یادگیری افزایش می‌یابد. ترکیب دانش‌آموزان مستعد، ضعیف و متوسط در یک گروه، فرصت مناسب‌تری برای فعالیت و بازخورد بین دانش‌آموزان فراهم می‌سازد، در نتیجه، محیط روانی مساعدتری برای یادگیری ایجاد می‌نماید و به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند. در تجزیه و تحلیل یافته‌های مرتبط با هر فرضیه نتایج زیر به دست آمد: در فرضیه اول تأیید گردید که بین روش آموزش

مشارکتی و روش غیرفعال (سخنرانی) در ایجاد پیشرفت تحصیلی در درس عربی با سطح معنی‌داری ( $\alpha=5\%$ ) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این تفاوت حاکی از برتری روش مشارکتی بود. در فرضیه دوم مشخص گردید که بین دانش‌آموزان مستعد و ضعیف در بهره‌مندی از روش آموزش مشارکتی و سخنرانی در سطح معنی‌داری ( $\alpha=5\%$ ) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نظر به اینکه گروه‌ها در درس عربی سال اول دبیرستان همگن بودند، در مقایسه کلی گروه‌های مشارکتی و غیرفعال در درس عربی سال دوم بخش اعداد، تفاوت معنی‌داری نشان دادند.

همچنین مقایسه گروه‌ها در فرضیه دوم نشان داد در صورت کلی بین دانش‌آموزان مستعد و ضعیف در بهره‌مندی از روش آموزش مشارکتی و غیرفعال تفاوت معنی‌داری وجود داشت. وقتی گروه‌ها با هم مقایسه می‌شدند، نشان داده شد که بین گروه مستعد مشارکتی با گروه مستعد غیرفعال تفاوت معنی‌داری وجود دارد و برتری با گروه مستعد مشارکتی بود. این برتری نشان می‌دهد که دانش‌آموزان مستعد از روش مشارکتی بیشتر سود می‌برند. ایجاد همکاری و تشکیل گروه‌های کوچک به معنی نیاز نداشتن به تلاش فردی نیست. دانش‌آموزان مستعد به تنهایی قادر به درک مفاهیم و موضوعات درسی بودند و توضیح و تشریح مطالب درسی توسط آن‌ها در گروه‌ها و بحث با همکلاسی‌ها نه تنها از ارزش و میزان پیشرفت آن‌ها چیزی کم نکرد بلکه تسلط آن‌ها بر موضوعات درسی افزایش داد.

در توجیه مقایسه بین گروه ضعیف مشارکتی با ضعیف غیرفعال، که تفاوت آن‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبود، می‌توان گفت که هر دو روش غیرفعال و مشارکتی را می‌توان برای دانش‌آموزان ضعیف اعمال کرد و این به شرایطی از قبیل نوع مواد درسی، سبک تدریس

## برتری آموزش مشارکتی بر روش سخنرانی (معلم‌محوری) به این سبب است که در جلسات بحث و مشارکت به دلیل تأثیر و تأثر متقابلی که بین افراد گروه به وجود می‌آید، توجه به موضوع درسی زیاد و در نتیجه بازده یادگیری افزایش می‌یابد

معلم و ویژگی‌های دیگر بستگی دارد. در مقایسه دو گروه مستعد غیرفعال و ضعیف غیرفعال تفاوت معنی‌داری دیده نشد ولی میانگین گروه مستعد غیرفعال بیشتر بود. این تفاوت را نیز می‌توان به برتری توانایی و استعداد آن‌ها نسبت داد. در توجیه این تفاوت می‌توان گفت در برخی موارد روش سخنرانی و غیرفعال برای دانش‌آموزان مستعد می‌تواند مناسب و آموزش مستقیم به آن‌ها کارآمدتر باشد، که به معلم و شرایط دیگر بستگی دارد. در تبیین تفاوت گروه مستعد مشارکتی با گروه ضعیف غیرفعال - که تفاوت معنی‌دار است - برتری گروه مستعد را می‌توان به توانایی گروه مستعد و هم به روش به کار رفته نسبت داد.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که بین دانش‌آموزان مستعد و ضعیف در بهره‌مندی از روش مشارکتی و سخنرانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به‌طوری که دانش‌آموزان مستعد از روش مشارکتی بهره بیشتری می‌برند ولی برای دانش‌آموزان ضعیف استفاده از هر دو روش فرقی نمی‌کند. از یافته‌های مهم این پژوهش، که در حین اجرای عمل آزمایش در گروه‌های مشارکتی مشاهده گردید، علاوه بر پیشرفت تحصیلی، وابستگی به یکدیگر، تعامل چهره‌به‌چهره و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان گروه آزمایشی بود. این شیوه همچنین بروز

با هم مقایسه و بررسی کنند. تحقیقات نشان داده که روش تدریس غیرفعال و سخنرانی در پیشرفت تحصیلی، ایجاد تغییرات عاطفی، اجتماعی و اخلاقی در دانش‌آموزان ناموفق شناخته شده است. لذا به منظور افزایش توان یادگیری تحصیلی و آموزش برقراری ارتباط صحیح با دیگران و ارتقای دانش‌آموزان در تمام حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی، استفاده از روش آموزش مشارکتی به معلمان پیشنهاد می‌گردد.

- با توجه به اینکه روش سخنرانی برای معلم و دانش‌آموز خسته‌کننده است و فراگیرندگان در حین آموزش کمتر در جریان یادگیری قرار می‌گیرند، ممکن است برخی از دانش‌آموزان به جای تفکر پیرامون موضوعات درسی به موضوعات و مسائل نامربوط و آشفته بپردازند. تشکیل گروه‌های کوچک نامتجانس و استفاده از روش مشارکتی راهبردی برای حل این معضل بسیار مناسب است و استفاده از آن توصیه می‌شود.

- ایجاد انعطاف لازم در حین تدریس و تعامل و تماس شاگردان با هم، که در روش‌های غیرفعال به حداقل می‌رسند، با استفاده از روش مشارکتی قابل حصول است. در نتیجه، به کارگیری این روش به منظور افزایش تعامل و تبادل اطلاعات و دانستنی‌های میان شاگردان مطلوب‌تر است. کاربرد روش آموزش مشارکتی توسط معلم مستلزم داشتن سرعت عمل و بردباری است. در حین اجرای این روش ممکن است کلاس درس آرامش و سکوت نداشته باشد؛ زیرا ماهیت این روش به گونه‌ای است که سرودا و رفت‌وآمد در بین دانش‌آموزان و در حین مباحثه ایجاد می‌شود. بنابراین، به معلمانی که از این روش تدریس استفاده می‌کنند، توصیه می‌شود که هوشیارانه عمل کنند و ضمن تسلط کامل بر کلاس درس، صبور باشند.

### مشروح در

<http://weblog/roshdmag.ir/maaref>



این تفاوت در جهت تفوق و برتری روش مشارکتی بوده است.

### پیشنهادها و کاربردها

معلم به عنوان طراح آموزشی باید بتواند در موقعیت‌های مختلف، محتوای آموزشی را با انتخاب روش تدریس مناسب به دانش‌آموزان انتقال دهد. معلم موفق حرفه خود را فرایندی مستمر می‌داند و با آموختن شیوه‌های مختلف تدریس به صورت علمی و عملی به زیبایی و ظرافت کار خود می‌افزاید.

آشنایی با انواع روش‌های تدریس و کاربرد این روش‌ها در کلاس درس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هر معلمی قادر است به کمک روش مناسب اطلاعات علمی-آموزشی، ارزش‌های عاطفی و معنوی را در قالب هدف‌های شناختی-عاطفی و روانی-حرکتی به فراگیرنده انتقال دهد. در راستای نتایج مثبتی که به کارگیری یکی از روش‌های آموزش مشارکتی در بررسی حاضر نشان داد، رعایت نکات و موارد زیر به دست متصدیان آموزشی و معلمان پیشنهاد می‌گردد. محققان پژوهش در زمینه انواع دیگر روش‌ها، تدریس مشارکتی را به طور آزمایشی وسعت دهند و با نمونه‌های بزرگتر و با در نظر گرفتن جنسیت و دوره‌های مختلف بر تکرار این گونه پژوهش‌ها مبادرت ورزند و تأثیرات این روش‌ها را در مقاطع گوناگون

مهارت‌های مختلفی چون اندیشیدن، نقد کردن، به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های مختلف برای یافتن پرسش‌های موجود و ابداع روش‌های نوین را به دنبال دارد.

نکته مهم و قابل توجه دیگر این است که در روش مشارکتی، برای تشکیل گروه‌ها و ایجاد ارتباط مثبت میان گروه‌ها، معمولاً زمان زیادی لازم است. به همین دلیل در آغاز کار و شروع این روش آموزشی به علت ناآشنایی دانش‌آموزان با این روش، تشکیل گروه‌های فعال و منسجم و اجرای این روش مشکل به نظر می‌رسد و لازمه این کار صبر و حوصله به خرج دادن از جانب معلم است. بنابراین، یکی از تفاوت‌های عمده این روش آموزشی با روش سخنرانی این است که در روش مشارکتی معلم باید بداند که به سرعت عمل و بردباری لازم نیاز دارد و در نقش تسهیل‌کننده یادگیری، فعالیت‌های گروه‌های مختلف را تحت نظر قرار دهد و با درایت تمام به گروه‌ها سرکشی نماید و اشکالات و انحرافات را که احیاناً هنگام بحث به وجود می‌آید، برطرف سازد.

یافته مهم دیگری که از بررسی فرضیه دوم به دست آمده این است که دانش‌آموزان مستعد و ضعیف در بهره‌مندی از مطالب درسی در روش‌های مختلف آموزشی تفاوت معنی‌داری دارند و نشان داده شده است که همه دانش‌آموزان به یک اندازه سود نمی‌برند و